

ترس سکولارها و حریدی‌ها از تغییر مذهب جوانان پس از ورود به ارتش

۱. تفسیر تلمود

۲. سرود ملی اسرائیل

از مطالعه گمارا' تا خواندن هاتیکوا'



محمّد وحیدی

تتالوی در مقاله‌ای که ۶ آگوست امسال در هاآرتص منتشر کرد گفته که در ستون

«از دست حریدی‌ها عصبانی هستید؟»، می‌راو موران این نگرانی را مطرح می‌کند

که یک پسر سکولار که به ارتش می‌پیوندد و در یک پایگاه نظامی بسته خدمت

می‌کند، در نهایت خودش مذهبی می‌شود. موران تصویری نسبتاً ناامیدکننده

ترسیم می‌کند که در آن همان پسر سکولار نوشته‌های نوام چامسکی را به نفع درس‌های یک خاخام

کنار می‌گذارد و از همه بدتر، از مادرش می‌خواهد که برایش غذای کوشر (غذایی که مطابق آیین

کوشرت، پاک و حلال تهیه شود) درست کند. دینداری ناشی از جذب حریدی‌ها در ارتش نیست،

بلکه دینداری‌ای است که همین امروز و از مدت‌ها قبل در ارتش، به دلیل یشیوها، وجود داشته است.

نفوذ نرم افکار مذهبی

ترس موران و باقی سکولارها زمانش گذشته است. این ترس قبلاً به واقعیت پیوسته، اما نه به آن شکلی که رسانه‌ها توصیف می‌کنند. بچه‌های سکولار نه با نشانه‌های حریدی از ارتش برمی‌گردند و نه شروع به حفظ ارتباط با جوامع مذهبی می‌کنند، اما به‌مرور رفتارهای آن‌ها تغییر کرده است. روندهای اجتماعی در یک دگرگونی رادیکال نمود پیدا نمی‌کنند. پیشنهاد می‌کنم به تغییرات اجتماعی که در اسرائیل در حال رخ‌دادن است، از منظر «قدرت نرم» نگاه کنیم. این اصطلاح عموماً به روابط بین کشورها اشاره دارد و نفوذ یک کشور بر فرهنگ و اقتصاد کشور دیگر راه‌به‌غیراز طریق اشغال توصیف می‌کند. یک مثال خوب از این موضوع، نحوه نفوذ ایالات متحده بر

تغییر مکان رژه از ترس سکولارها

در روزهایی که طوفان عمومی و سیاسی پیرامون جذب حریدی‌ها به ارتش اسرائیل رکورد شکنی می‌کند، ارتباط بین یشیوا و ارتش و بین حریدی‌ها و شخصیت جنگجوی حشموئایی، آشکار نیست. به قول مقاله‌نویس هاآرتص، این تنش در تمام طول مراسم فارغ‌التحصیلی و حتی در آماده‌سازی‌های آن احساس می‌شد. این مراسم معمولاً در میدان دیوار ندبه و با مشارکت کامل خانواده‌های مبارزان برگزار می‌شود. اما آن روز، نه فقط از ترس اعتراضات حریدی‌های افراطی، بلکه از ترس سکولارها، این مراسم برای اولین‌بار به پشت‌بام ساختمان خانه میراث دیوار ندبه منتقل شد و مشخص بود که همه سربازان با خانواده‌هایشان همراه نبودند. درست قبل از اینکه سربازان به پشت‌بام بروند، سخنگوی ارتش اسرائیل به یکی از سربازان دستور داد که با پرچمی که روی آن نوشته شده بود «و برای من معبدی بساز» مصاحبه نکند. رابینوویتز در این گزارش عنوان می‌کند که با این سرباز گفت‌وگو کرده و او گفته که بیشتر از این ناراحت است که چه کسی از دوستانش یا حتی خانواده‌اش، او را در این رویداد احساسی همراهی خواهد کرد. سرباز حریدی گفته که فقط بردارش در مراسم فارغ‌التحصیلی حاضر شد. او بین یک خانواده حریدی معتقد و دوستانی سکولارگیر کرده است. خانواده دوستانش مخالف آمدن او و امثال او در ارتش هستند و خانواده‌اش هم

همه ناراضی‌اند

در میان حضار، مدیر سازمانی که به جذب سربازان جوان حریدی برای این تیپ کمک می‌کند، ایستاده بود. او از این وضعیت راضی نیست. او گفت: «آن‌ها با اجازه‌دادن به سربازان مذهبی برای پیوستن به تیپ، اشتباه می‌کنند. بهتر است چندسرباز داشته باشیم، اما همه آن‌ها کاملاً حریدی باشند.» منظور او این است که برخی از سربازان از حاشیه اجتماعی حریدی‌هایمی‌آیند؛ پیروان خیاد و به اصطلاح «بیگانه‌ها»، افرادی از خارج کشور و این‌ها روی تفکرات اصیل حریدی تأثیر گذاشته و بیشتر جوانان مذهبی را از تفکرات و اعتقادات اصیل حریدی دور کرده‌اند. او توضیح داد: «مشکل سازه‌ترین چیز این است که فرماندهان خیرچین هستند و حریدی نیستند. تصور کنید اگر به شما، به عنوان یک حریدی، می‌گفتند که پسران را به یک مؤسسه مذهبی بفرستید، این کار جواب نمی‌داد. خیلی از خانواده‌ها با آموژه‌های یشیوهای ارتش مخالفند.»

اما با وجود اعطاف پدیزی، در هویت سربازان این تیپ، تعداد سربازان جدید زیاد هم نیست. سرهنگ دوم عیرام حیون، فرمانده پایگاه آموزشی تیپ، در سخنرانی خود به این موضوع پرداخت. او به سربازان گفت: «ما در مأموریت زندگی خود هستیم تا یک تیپ حریدی ایجاد کنیم که نمادی از جامعه حریدی و جامعه اسرائیل باشد. آن‌ها همیشه از من می‌پرسند، «خب، چند سرباز

همگرایی یا عقب‌نشینی؟

به نظر می‌رسد ارتش در تلاش است تا بین تمایل به اینکه تیپ کاملاً حریدی باشد یا با دیگر عقاید و فزق یهودی به‌ویژه سکولارها ادغام شوند، تعادل برقرار کند. اصطکاک و تضاد بین حریدیسم و طرز فکر نظامی سکولار دوباره در پایان این رژه آشکار شد؛ زمانی که یهودا تصمیم گرفت قرائت رساله گمارا (تفسیر تلمود) را در مقابل حضار دعوت شده به پایان برساند. او با لهجه لیتوانیایی – یشیوایی بسیار زیر، دعای پایانی و کادیش را خواند، انگار که از آنچه که می‌گوید شرم دارد و برای لحظه‌ای می‌شد تصور کرد که این رویداد در یکی از یشیوهای حریدی در حال وقوع است، نه یک رژه نظامی. در یک تغییر ناگهانی، بلافاصله پس از قرائت کادیش، گوینده از همه خواست که بایستند و هاتیکوا (سرود ملی اسرائیل) را بخوانند. مشخص بود که برخی از سربازان در برقراری ارتباط با معانی سرود و تلفظ کلمات مشکل داشتند. این مراسم در نزدیکی دیوار ندبه بار دیگر ثابت کرد که مسیر ادغام حریدی‌ها در ارتش طولانی و مملو از دست‌اندازها و چالش‌هاست. تغییرات اجتماعی در جامعه حریدی و بخش سکولار اسرائیل در حال وقوع است، اما با سرعتی کند که با نیازهای ارتش و کابینه امنیتی که دستور کار سیاسی را تعیین می‌کند، مطابقت ندارد. موفقیت یا شکست این تیپ تا حد زیادی تعیین خواهد کرد که آیا جامعه حریدی به سمت ادغام پیش خواهد رفت یا به سمت همگرایی عقب‌نشینی خواهد کرد. اما بالاخره حریدیسم به شیوه‌های نه‌چندان آشکاری بر زندگی تأثیر می‌گذارد. از جدایی جنسیتی حتی در شرایطی که واقعاً نیازی به آن نیست (در ارتش به این موضوع اصطلاح نخب‌نمای «ترکیب مناسب» داده شده است)، تا اینکه تقریباً برای همه واضح است که در اسرائیل ازدواج مدنی وجود ندارد. هیچ‌کس این دستورالعمل را به نام «سکولاریسم» و حق «آزادی از دین» به چالش نمی‌کشد، همان‌طور که حریدی‌ها حقوق خود را برای خود مطالبه می‌کنند. دینداری یهودی حتی قبل از ورود توده‌های ارتدکس افراطی به دروازه‌های ارتش، در آن‌ها (سکولارها) و برداشت آن‌ها از جنگ نفوذ کرده بود.

در تحلیل‌های بسیاری تحلیلگران نظامی، به خصوص عرب‌ها، این گزاره را شنیدیم که سربازان ارتش این بار دارند با عقیده‌ای آخرالزمانی می‌جنگند. از رفتار امروز ارتش اسرائیل، مشخص است که استراتژی نظامی اسرائیل مبتنی بر «به یاد داشته باشید که عماللق (قومی که با بنی اسرائیل در نبرد بود) با شما چه کرده» و دستور محوکردن یاد آن‌ها (استعاره از هر آن کس که با یهود در ستیز است) از روی زمین است. مشکل مردان جوان ارتش این نیست که آن‌ها در «فرهنگ یکشنه» که با مسائل یهودی درهم تنیده شده است، شرکت می‌کنند، بلکه این است که آن‌ها به نام فرماندهان خود فرستاده می‌شوند تا از غزه‌ای‌ها انتقام بگیرند و یاد آن‌ها را پاک کنند، گویی که مانند کتاب مقدس به جنگ مقدس می‌روند. بنابراین، مشکل، دینداری‌ای نیست که سربازگیری از حریدی‌ها در ارتش ایجاد می‌کند، بلکه شکلی از دینداری و برداشت و تفسیر از تورات است که مورد سوء استفاده تفکر غیرمذهبی برای پیشبرد مقاصد سیاسی قرار می‌گیرد که از قبل در ارتش وجود داشته و دارد. اساساً همین سوخت لازم برای تربیت سرباز است. به قول نتا لوی، مردم سکولار امروزی نباید از خود بپرسند که آیا اگر پسران‌شان به عنوان حریدی به ارتش بروند، داریب. آن‌ها را به ارتش نفرستند یا نه، بلکه باید بپرسند که آیا اصلاً باید پسران‌شان را، با وجود این مدل آموزش مذهبی در یشیوهای ارتش، به جنگ و این مدل کشتار که به چهره یهودیت در دنیا آسیب زده، نفرستند یا نه؟

